

• آبی و صورتی

• ناهید طباطبایی

• نشر علم — چاپ اول ۱۳۸۳

• ۴۶۴ ص — ۴۵۰۰ تومان

۳۹۷

آبی صورتی آخرین کار ناهید طباطبایی است. اثری که اگر آن را در ادامه آثار قبل او ندانیم، جهشی موفق از نظر حجمی و دیگر برجستگی‌های داستانی می‌توان به حساب آورد. داستان زنی که با ترس از مردن و فراموش شدن دست به نوشتن گذشته خود و اجدادش می‌زند. سرنوشت‌هایی که نویسنده‌ای سعی به حلقه زدن آنها دارد تا در انتهای این زنجیر به هم بافته از خودش یاد کند. طباطبایی از طرف فیروزه جسته گریخته قول روایت آخرین حلقه داستان را می‌دهد. سرنوشت فیروزه تا فراموش نشود. فیروزه با این ترس یاد شده با کمک آبی و صورتی به نبش قبر خاطراتی می‌پردازد که متعلق به ذهن خودش نیست. شخصیت‌ها در ذهن او یا سایه‌های پراکنده‌ای‌اند مثل بابا پرتوی و یا پیرزن‌های ساده و دوست داشتنی که جز مهمانی‌های خانوادگی در ذهن یک کودک مطلب بیشتری برایش ندارد. گذشته واقعی آنها به کمک نیروی آبی و صورتی فیلم‌وار و خواب‌گونه بر او ظاهر می‌شوند. و او در رویارویی با آنها به کشف فضا‌های نامکشوف در زندگی پدر بزرگها و مادر بزرگهایش نائل می‌آید.

با این که داستان با بهانه تکرار تاریخ تولد فیروزه شروع می‌شود، اما خواننده از زندگی شخصی‌اش کمتر می‌فهمد غیر از آنکه صاحب دو فرزند است با زندگی آرام کنار شوهرش و با چهره‌ای نه چندان زیباگویی تمام گذشته اجدادی فیروزه همان گذشته واقعی اوست. داستان با تقسیم به شاخه‌های اصلی و فرعی و پرداختن به آنها پیش می‌رود و تکمیل

می‌شود نقطه آغاز تاریخ تولد فیروزه است و حضور دوباره آبی و صورتی بعد از گذشت سالهای کودکی. با پرداختن به عشق یحیی و محبوبه، معتمدالدوله و فرزندش، بابا پرتوی و مامان طی داستان گسترش می‌یابد و دوباره با تولد فیروزه پایان می‌پذیرد. این روایت‌ها تنه اصلی داستان هستند و روایت زندگی علی، شمس‌الله، آقا ناز... داستانهای فرعی و مکمل. اما بهانه‌ای زیرکانه برای داستان پردازی، توصیف جامعه در یک دوزان تاریخی خاص و نوع حضور و پرورش آدمها در این دوران تاریخی است. هر چند، طباطبایی دغدغه تاریخ‌نویسی ندارد. مثل داستان‌هایی از این دست که شخصیت خلق می‌شود تا نویسنده دین خود را به تاریخ ادا کرده باشد و یک دوره تاریخی را به شکل داستانی و جذاب تعریف کند. بر عکس طباطبایی تاریخ را بستری جهت واقع‌نمایی شخصیت‌ها و داستانش انتخاب کرده حتی با شخصیت‌های تاریخی شوخی می‌کند و آنها را تا حد آدمهای معمولی در یک زندگی معمولی پایین می‌آورد (گفتگوی رضاخان و طلعت) طباطبایی در این کتاب بر تاریخ مسلط شده و هیچ الزامی برای بزرگنمایی یا با شکوه جلوه دادن تاریخ در خودش نمی‌بیند.

با آنکه نویسنده دغدغه داستان‌پردازیهای مدرن را ندارد مثل پیشتهاد زبان تازه داستان‌پردازی یا ساختار غیرمعارف اما باز هم داستانش تا حد روایتی ساده و سر راست نزول نمی‌کند. طباطبایی خیلی زیرکانه با تعلیق شروع می‌کند. و این تعلیق را تا انتها حفظ می‌کند. این تعلیق از همان ابتدا با تکرار تاریخ تولد فیروزه شروع می‌شود و مخاطب تا آخرین صفحات کتاب به دنبال ایجاد رابطه بین این تاریخ تولد و شخصیت‌های متعدد داستان و پیدا کردن رابطه فامیلی بین این شخصیت‌ها با هم و با فیروزه است.

حضور دو شخصیت نامتعارف آبی و صورتی هم برای مخاطب تعریف شدنی است. با حضور این دو در داستان، مخاطب در این تردید قرار می‌گیرد که: فیروزه در چگونه فضایی سیر می‌کند؟ آیا دنیای او یک دنیای رئال است؟ یا آدمهای او تا چه اندازه واقعی‌اند و خود او تا چه اندازه از سلامت روان برخوردار. اصلاً همین آبی و صورتی یکی از مهمترین برجستگی‌های این روایت هستند. طباطبایی یک باور مذهبی را به شکلی دل‌چسب با همان تصویر کودکانه‌ای که برای همه وجود دارد در جهان بزرگترها وارد می‌کند. بی‌آنکه خودش را در زحمت توضیح و توجیه بیندازد. و آنها را تا حد شخصیت‌های غیر واقعی اما پذیرفتنی و دوست داشتنی ارتقا می‌دهد.

درست است که فیروزه با برگشت به گذشته داستان خود را شروع می‌کند اما آنجا که روایت اصلی شروع می‌شود داستان روایتی خطی دارد و نویسنده میل و اصرار برای این روایت خطی را در گفت و گوهای سه شخصیت اصلی داستان اعتراف می‌کند. حوادث اصلی از زندگی



شخصیت‌ها که به خانواده پدری و مادری تقسیم شده‌اند باید به ترتیب زمانی بیان شود این نکته چند بار از طرف فیروزه خطاب به صورتی که نماینده خانواده مادری است گفته می‌شود. اما این خطی بودن روایت باعث کسالت و یا خستگی ذهن خواننده نمی‌شود. یکی از ویژگی‌های این رمان در بند نگاه داشتن مخاطب است برای ادامه دادن و به انتها رسیدن زیرا طباطبایی با مهارت هیچ جا داستانش را لو نمی‌دهد با آنکه داستان کمابیش به شیوه هزار و یک شبی پیش می‌رود اما باز هم اشتیاق برای به پایان رسیدن و پیدا کردن نقطه اشتراک بین این قصه‌ها برای مخاطب وجود دارد.

زمان داستان بین حال و گذشته معلق است. حوادث محوری و مورد اهمیت در زمان گذشته روی می‌دهد. زندگی امروزی فیروزه کارکردی جز جمع‌آوری گذشته ندارد، چنان‌چه با حذف زندگی فیروزه لطمه‌ای به ساخت و کلیت داستان وارد نمی‌شود، داستان اصلی در گذشته جریان دارد. گذشته‌ای آنقدر دور که ذهن راوی شماره یک، فیروزه، مطلبی از آن ندارد چه برسد به ریزه‌کاری‌های فضاسازی و یا توصیف آن هم با کیفیت و نوع حضور فیروزه. در ضمن داستان جنبه واقع‌نمایی‌اش را هم از دست خواهد داد این جاست که کارکرد اصلی آبی و صورتی آشکار می‌شود، آن‌ها راوی گذشته‌های دورند. آن قسمت از تاریخ که سهمی از ذهن فیروزه ندارد پس داستان با راوی‌های سه‌گانه‌اش روایت می‌شود و ضعف طباطبایی در انتقال لحن و صدا همین



جا آشکار می‌شود. نویسنده نه توانایی انتقال صدای راوی‌های سه‌گانه‌اش را دارد و نه انتقال لحن شخصیت‌ها را. هر سه راوی با یک لحن و صدا روایت می‌کنند و اگر خود طباطبایی به آنها اشاره مستقیم نکند مخاطب قادر به شناخت راوی‌ها نیست.

توجه به تم و خاص بودنش در دیگر آثار طباطبایی به چشم می‌خورد او با بن مایه عشق و زندگی این داستان را می‌نویسد و در زندگی هر یک از شخصیت‌هایش با دیدی متفاوت با این بن مایه نگاه می‌کند تبلور این مضموم بیشتر در زندگی یحیی دیده می‌شود فصل یحیی و محبوبه از دل‌پذیرترین بخش‌های رمان است این فصل با حوصله و دقت بیشتری نسبت به دیگر فصل‌ها روایت می‌شود. فیروزه به نمایندگی از طرف طباطبایی همین حس را انتقال می‌دهد و می‌گوید که به عشق این دو دل بستگی دارد.

یکی از ویژگی‌هایی که این رمان را سرگرم‌کننده و لذت‌بخش برای طیف مخاطبین خودش قرار می‌دهد قربانی شدن واقعیت به نفع خیالپردازی مخاطب است. طباطبایی سرنوشت‌های شوم برای شخصیت‌هایش رقم نمی‌زند و حوادث بزرگی را که می‌تواند بنیان‌کن و یا کشمکش‌زا باشند را در جهت رویاپردازی مخاطب به خیر و سلامت می‌رساند مثل تنها ماندن محبوبه و خانم بزرگ و اتفاقی ساده که آنها را در دل هم جا می‌کند و یا کوتاه آمدن معتمدالدوله در برابر خیانت همسر.

در کل رمان دل‌چسب و سرگرم‌کننده است آنقدر که برای مخاطب کمتر پیش می‌آید بر اثر کسالت کتاب را ببندد و یا حس کند دیگر حرفی برای گفتن نمانده. شگردهایی که طباطبایی برای داستان‌پردازی انتخاب کرده رمانش را از سطح نوشته‌ای صرفاً سرگرم‌کننده دور می‌سازد و تا سطحی از رمان حرفه‌ای پیش می‌برد.

۴۰۱



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

نشر علم منتشر کرده است:

تاریخچه بریگاد و دیویزیون قزاق

(از کلنل دو مانتویچ تا میرپنج رضاخان سوادکوهی)

دو مجلد

تألیف محسن میرزایی

خیابان انقلاب بین خیابان فخررازی و دانشگاه شماره ۱۳۵۸ تلفن: ۶۴۶۵۹۷۰